

## مقدمه

پرورش بر پایه یک نظم اخلاقی، یکی از کار ویژه‌های اساسی آموزش و پرورش در عصر جدید است که خود برحسب هر جامعه‌ای، گستره‌ای مناسب با نیازهای سیاسی و اجتماعی آن جامعه پیدا می‌کند. پرورش در بسیاری از جوامع رو به رشد، شامل فرایندی از جامعه‌پذیری و انطباق فرد با هنجارها و معیارهای اخلاقی تاجامعه‌پذیری سیاسی و ملت‌سازی می‌شود. هم‌چنین، در طول دورهٔ تجدد، آموزش و پرورش یکی از مجاری گسترش اخلاق عمومی و یکی از ابزارهای مؤثر در راه ایجاد «دولت ملی» بوده است. در نتیجه، مدرسه بیش از هر چیز یک مکان سیاسی، و آموزش یکی از ابزارهای ایدئولوژیک دولتی به‌شمار می‌رفت که وظیفهٔ سنگین تنفیذ اقتدار دولت در نسوج پیچیدهٔ جامعهٔ مدنی را برعهده داشت. اما در عصر جهانی شدن، این نهاد، یعنی مدرسه، از انحصار دولت خارج شده و در خدمت جهانی شدن هنجارها و معیارهای پذیرفته شدهٔ جهانی قرار می‌گیرد. از آن‌جا که این هنجارها بر جاذبه‌های عمومی - که معمولاً ریشهٔ آن در غرایز و امیال فردی نهفته است - تکیه دارند، به شدت با معیارهای اخلاقی ملی و خاص‌گرایی در تعارض‌اند. در این معارضه، نظم خصوصی یا ملی و مذهبی به سرعت فرو می‌ریزد و جای آن را هنجارهای فراگیر جهانی می‌گیرند که به دو عنصر اساسی **سرمایه و تبلیغات** تکیه می‌کنند و به یک جریان غالب و روایت کلان تبدیل می‌شوند. درست است که جهانی شدن با دو جریان متضاد، یکی «عام‌گرایی و خاص‌گرایی» و دیگری «جهانی شدن و محلی‌گرایی» و خلاصه «کلان و خرد» همراه است، اما اگر نیک بنگریم، مشاهده می‌کنیم که موارد خاص به صحنه می‌آیند تا در جهانی شدن ذوب شوند. به عبارت دیگر، خاص‌گرایی، جریان‌گذاری است که در موقعیت فراهم آمده، از حاشیه خارج و به صحنه وارد می‌شود تا بر تنوع و تکثیر بیفزاید و چنان‌چه عناصری برای جهانی شدن در جریان خاص وجود دارد، عرضه شود و چنان‌چه ندارد، پس از یک جولان نمایشی، برای همیشه از صحنه محو شود تا جای شبهه یا حسرتی باقی نگذارد.

صالح و طالع متاع خویش نمودند  
تا چه قبول افتد و چه در نظر آید

وقتی هر کسی می‌تواند سایتی اینترنتی برای خود به‌وجود آورد، آیا هر سایتی مراجعه‌کننده‌ای خواهد داشت یا نه؟ بسیاری از انسان‌ها، جریان‌ها و افکار، مانند صومعه‌های قرون وسطا، فقط به درد این می‌خورند که به یک بنای باستانی تبدیل شوند و توجه رهگذران را از باب تماشا و ارضای حس کنجکاوی به خود جلب کنند. این نکتهٔ تلخ، به حقانیت یا ناحقی آن‌ها مربوط نمی‌شود، بلکه به اسرار جهانی شدن ربط دارد.

# \*نظم، اخلاق، آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن

دکتر احمد نقیب‌زاده



## اسرار جهانی شدن

جهانی شدن فرایندی است که در آن نه تنها مرزهای جغرافیایی از میان می‌روند و حاکمیت‌های ملی در معرض نیروهای فراملی رنگ می‌بازند، بلکه حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز در هم تداخل می‌یابند و در مجموعه‌ای جهانی ادغام می‌شوند. در مورد شروع این روند، اختلاف‌نظرهایی وجود دارد، اما در موجودیت و ماهیت آن نمی‌توان تردید روا داشت، چرا که این پدیده دیگر به آینده تعلق ندارد بلکه فعلیت می‌یابد و ابعاد آن در همه جا قابل لمس است. به تبع، در شرایط جهانی، همه‌تیر و همارزش‌ها، فرهنگ‌ها و باورها در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند و از آن میان، نظام‌ها و ارزش‌هایی پدیدار می‌مانند که قابلیت جهانی شدن دارند و از پشتیبانی نیرویی سیاسی یا اقتصادی جهانی نیز برخوردارند. به قول دکتر **مهدی مظفری**، «اگر جهانی شدن را به عنوان یک واقعیت انکار ناپذیر بپذیریم و قبول کنیم که در این دنیای جهانی شده، تمدن‌های رقیب و متعارض می‌توانند هم‌زیستی کنند، باید وجود یا دست‌کم ظهور یک تمدن جهانی را بپذیریم»

**جان بولی و جرج توماس**، پنج اصل را شاخص فرهنگ جهانی معرفی می‌کنند که عبارت‌اند از: «جهان شمولی، فردگرایی، یک اقتدار اراده‌گرا، یک طرح عقلانی و یک شهروند جهانی». اما عوامل اصلی این وضعیت عبارت‌اند از: «سرمایه» و «فناوری». به همین دلیل نیز کسانی که به تاریخ جهانی شدن اشاره می‌کنند، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

1. گروهی که جهانی شدن را با تاریخ سرمایه‌داری قرین می‌دانند و در نتیجه شروع آن را به دورهٔ رنسانس بازمی‌گردانند.

2. کسانی که ارتباطات گسترده را عامل اصلی جهانی شدن قلمداد می‌کنند و در نتیجه، تاریخ جهانی شدن را به انقلاب صنعتی یا انقلاب دوم صنعتی در دههٔ 1920 و یا به شروع شتاب در فناوری ارتباطاتی و تظاهرات این ارتباطات برمی‌گردانند.

نظری که موافقان بیشتری را به دنبال خود می‌کشاند، این است که هر چند ریشه‌های جهانی شدن ممکن است از دورهٔ رنسانس شکل گرفته باشد، ولی خود این پدیده در دو دههٔ آخر قرن بیستم، یعنی از زمان ورود سرمایه‌داری به دورهٔ «ولترا-لیبرالیسم» که فرو ریختن دیوار برلین و فروپاشی کمونیسم آن را به تمام جهان تسری داد، همراه با «انفجار اطلاعات» که از نظر فیلسوفانی چون **هایک**، محور اصلی تحولات جدید به‌شمار می‌رود و نیز با گسترش بی‌سابقهٔ ارتباطات، تجسم عینی یافت.

در این که سرمایه‌داری سهم بسزایی در جهانی شدن دارد و اساساً خود نیز بنا به ذات و طبیعت، عنصری جهانی و بی‌مرز است، شکی نیست. اما باید به یاد داشت که سرمایه در پول خلاصه نمی‌شود، بلکه در حرکت جهانی خود، به صورت مجموعه‌ای عمل می‌کند که فرهنگ خاصی را نیز به دنبال خود یدک می‌کشد یا ایجاد می‌کند. زیرا تجارت کالاهای فرهنگی و

## کلیدواژه‌ها:

جهانی شدن، تجدد، فراملی، تمدن جهانی، شهروند جهانی، سرمایه‌داری.



محمد رضا موثق  
معلم نمونهٔ کشوری  
۱۳۹۰ ق.م.

محمد رضا موثق در شهر تبریز متولد شده است. دو سال سابقهٔ آموزشی دارد و در همهٔ دوره‌های ابتدایی راهنمایی تحصیلی متوسطه و تربیت معلم تدریس کرده است. وی هم‌اکنون در پایه‌های سوم و چهارم دبیرستان در قم تدریس می‌کند. این معلم نمونه در کنکور سراسری پارتیه ممتاز سه رتبه در رشتهٔ مهندسی مکانیک دانشکده صنعتی خواجه‌صیر طوسی پذیرفته شد، وی اما به جای انتخاب شغل مهندسی، معلمی را انتخاب کرد که از دورهٔ نوجوانی به آن بسیار علاقه داشت و هنوز هم علاقه دارد. محمد رضا موثق دلیل انتخاب خود به عنوان معلم نمونه را انجام کارهای تحقیقی و پژوهشی، افزایش ملامتش شغلی فعالیت‌های قرآنی و کسب رتبه برتر در مسابقات می‌داند. وی دارای دو فرزند است.

و عرضه سلیقه‌ها نیز افزوده می‌شود. چنان که این حالت دو پهلوی، در عین قوم‌گرایی و محلی‌گرایی، در همه ابعاد دو وجه مخالف عصر جهانی هستند. این فرایند، امکان یک نظم ملی را از بین می‌برد و اجازه نمی‌دهد دولت‌های ملی بتوانند نظم و اخلاق واحدی را بر مدارس خود حاکم سازند. انبوه مدارس در سطوح کیفی و با روش‌های متنوع، باعث زوال چیزی می‌شوند که تاکنون مهم‌ترین هدف آموزش و پرورش کشورهای جهان را تشکیل می‌داده و آن عبارت است از: «هویت ملی».

در بسیاری از کشورهای جهان، مدرسه فقط جای آموزش نیست، بلکه محل جامعه‌پذیری، آموزش زبان ملی، انتقال ارزش‌های اجتماعی به فرد و ادغام نوابگان در نظام ارزشی و اخلاقی جامعه و خلاصه اولین عرصه ملت‌سازی است. برای مثال، زبان فرانسه زمانی زبان ملی کشور فرانسه شد که مدارس در گوشه و کنار این کشور باز شدند و کودکان فرانسوی، زبان ملی را جانشین زبان‌های محلی خود کردند و به یکدیگر پیوند خوردند. بنابراین، همان‌طور که یکی از جامعه‌شناسان می‌گوید: «مدرسه مکانی کاملاً سیاسی است».

اما همان‌طور که حاکمیت ملی در برابر سیطره جهانی کم‌رنگ می‌شود، مدارس نیز حالت ملی خود را از دست می‌دهند و در معرض کشمکش‌های جهانی و فرهنگ غالبی قرار می‌گیرند که اجزای آن از همه جای عالم فراهم شده است. اتفاقا هرچه بر خاص‌گرایی و تعلیمات ویژه تأکید شود، آسیب‌پذیری جامعه آموزشی در برابر چالش‌های جهانی بیشتر خواهد شد. نظام‌هایی که می‌خواهند فرزندان خود را مطابق الگوهای ویژه فرهنگ خود تربیت کنند و آن‌ها را طبق هنجارهای سنتی بایده‌نویسی پرورش دهند، در واقع، واگرایی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهند و خود در برابر عصبانیت آن‌ها قرار خواهند گرفت. پس راه چاره چیست؟ و البته چاره‌ای جز روزآمد کردن روش‌های آموزشی، قبول اصل آزادی انبانی بشر و باورمندی به خرد انسان که خود خوب و بد را تشخیص می‌دهد، وجود نخواهد داشت. همان‌طور که خداوند به پیامبر فرمود: «وظیفه تو فقط تذکر است و بس» و هرگز نگفت مردم را به زور به نماز و روزه وادار و هرگز نفرمود در کار مردم تجسس کن. بلکه امر کرد که تذکر بده و آن‌ها براساس سرشت خود راه درست را انتخاب خواهند کرد.

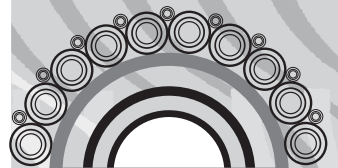
یک نمونه از اقدامات مثبت آموزش و پرورش نشان می‌دهد که راه درست نتیجه خواهد داد و آن، انتخاب و آموزش معلمان قرآنی است که تعلیمات ویژه‌ای دیده‌اند و این موجب جذب دانش‌آموزان شده است. این معلمان قرآن به‌جای آن‌که با تحکم با دانش‌آموزان برخورد کنند، با آن‌ها دوست می‌شوند. در مجموع باید گفت، ما به هر صورت به سوی یک چالش فراگیر می‌رویم و نظام آموزش و پرورش ما در برابر شیوه‌های بسیار پیشرفته و تجربه شده‌ای که کشورهای صنعتی طی دهه‌های گذشته به دست آورده‌اند، بسیار ناتوان می‌نماید. در این رهگذر، آن‌چه ما از دست می‌دهیم، همان ارزش‌ها و هنجارها و در نهایت ضربه‌هایی است که به هویت ملی ما وارد خواهد شد. راه چاره آن است که عناصری از فرهنگ‌مان را که جنبه جهان‌شمول دارند و از قابلیت حضور در عرصه جهانی شدن بهره می‌برند، گسترش دهیم. در غیر این صورت، در این تهاجم سیل آسا، بسیاری چیزها را از دست خواهیم داد.

ترویج نرم‌ها و هنجارهایی که راه را بر سرمایه‌ها باز کند، جزئی از حرکت سرمایه به‌شمار می‌رود. در واقع، سرمایه‌داری حاکمیت جدیدی را نیز به وجود می‌آورد.

دو تن از نویسندگان آمریکایی، عصر جهانی شدن را «گذر از امپریالیسم به امپراتوری» توصیف می‌کنند و می‌گویند، در کنار بازار جهانی و گردش جهانی تولیدات، یک نظم جهانی و شکل جدیدی از حاکمیت و قدرت هم به‌وجود آمده است؛ قدرت حاکمی که بر جهان حکومت می‌کند و مبادلات جهانی را نظم می‌دهد. ما به این شکل جدید جهانی از حاکمیت، امپراتوری می‌گوییم. امپراتوری - برعکس امپریالیسم - فاقد مرکز سرزمینی قدرت است و بر مرزها و موانع ثابت تکیه نمی‌کند، بلکه دستگاهی است بدون مرکز و بدون سرزمین که به تدریج تمام فضای جهان را درون مرزهای گشوده و در حال گسترش خود جای می‌دهد. امپراتوری، از طریق شبکه‌های فرمان‌دهی خود، هویت‌ها و هستی‌های دوگانه و سلسله مراتب منقطع و مبادلات متکثری را اداره می‌کند. رنگ‌های ملی متمایز در نقشه امپریالیسم جهانی، در رنگین کمان جهانی امپراتوری ممزوج می‌گردند، اما به‌طور مسلم، بسیاری از این رنگ‌ها در این رنگین کمان از بین می‌روند و پاره‌ای دیگر پررنگ‌تر می‌شوند. به عبارتی، تمام رنگ‌های موافق سرمایه‌داری و حاکمیت مربوط به آن و نظم برآمده از آن، پررنگ‌تر می‌شوند. راز این فرایند را ژیل دولوز و گواتاری آشکار می‌سازند: آن‌ها در کتاب «آنتی ادیپ» می‌گویند: «حرکت انسان تابع امیال اوست؛ یا هوس منشأ تمام کنش‌های بشری است و سرمایه‌داری هم روی همین هوس‌ها برنامه‌ریزی می‌کند. همه خواهان لقمه‌ای لذت هستند. همه نوجوانان می‌خواهند مورد پسند هم‌سالان خود در جنس مخالف باشند. به همین دلیل، دنیای «هک»ها همه چیز را از سر راه خود کنار می‌زند. مک دونالد جای رستوران‌های سنتی اروپا را می‌گیرد و جوانان به دنبال کنش‌های نایک به رویا پردازی مشغول می‌شوند؛ در حالی که همه فرهنگ‌های ملی و همه مذاهب در جهت خلاف امیال و هوس‌ها قرار دارند و اگر هزار نفر اسیر هوس باشند، شاید یک نفر به دنبال کمالات معنوی برود و این رمز پیروزی سرمایه‌داری و فرهنگ برخاسته از آن است. در این جاست که همه نظم و هنجارهای اخلاقی فرو می‌ریزد و آموزش و پرورش‌های خاص گرایانه در معرض تهدید قرار می‌گیرند».

## نظم و اخلاق در عصر جهانی

غیر معقول است که فکر کنیم همه چیز در استخر جهانی غوطه‌ور می‌شود، ولی اخلاق‌ها و فرهنگ‌ها و نظم برخاسته از آن‌ها دست نخورده باقی می‌ماند. به تبع، معیارهای جهانی جای معیارهای خاص و محلی را می‌گیرند و آموزش هم جهانی می‌شود. اما تبعیض در آموزش و سلسله مراتب آموزش هم جنبه جهانی به خود می‌گیرد. از یک‌سو مدارس بین‌المللی و ویژه در اختیار نخبگان بین‌المللی و بدون مرزی قرار می‌گیرد که به زبان‌های زنده دنیا آشنا هستند و به راحتی تغییر مکان می‌دهند و از سوی دیگر، مدارس متوسط و پایین از نظر کیفیت به کسانی تعلق می‌گیرد که از امکانات لازم و پول فراوان برخوردار هستند. اما همین مراکز آموزشی نیز به دنبال کسب معیارهای جهانی هستند تا تحصیل‌کردگان آن‌ها بتوانند در سلسله مراتب جهانی جایی برای خود باز کنند. در عین حال، بر تعداد روش‌ها، متدها



شیعانعلی ضیایی  
معلم نمونه کشوری  
قم، 1390

شیعانعلی ضیایی در سال 1338 در دودک دلپجان متولد شده است. وی در مراکز تربیت شهید هاشمی‌نژاد یزد و شهید بهشتی تهران دوره کاردانی و در دانشگاه آزاد قم رشته کارشناسی آموزشی ابتدایی را به پایان رسانده است. اینک مدیریت مدرسه هجرت ناحیه 4 قم را به عهده دارد. وی نخست چند سال مدیر آموزگار مدارس روستاهای نینوا، فردو و کرمچگان بود و از سال 69 تاکنون در مدارس شهر قم خدمت می‌کند. شیعانعلی ضیایی در سال تحصیلی 89-90 به‌عنوان معلم نمونه کشوری از استان قم انتخاب شد. وی دلیل انتخاب شدن خود را فعالیت‌های گوناگون در زمینه‌های برگزاری نماز جماعت، فعال کردن انجمن اولیا و مربیان، توسعه کتابخانه مدرسه و ترویج کتابخوانی، فعال کردن شوراهای دانش‌آموزی، برگزاری نمایشگاه از وسایل دست‌ساز و خلافت دانش‌آموزان و... می‌داند.